

شب چهارم محرم ۹۲. متن مقتل و اشعار هیئت میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق (ع)

<http://misaq.basijisu.com/۳۲۰۸/>

مقتل شب چهارم محرم ۹۲ (شب اصحاب ابی عبدالله)

روضه شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل. فرزند برومند مسلم بن عقیل

فرزندان عقیل بن ابی طالب، نقش مؤثری در نهضت حسینی داشتند. علاوه بر مسلم بن عقیل، برادرانش جعفر و عبد الله و عبد الرحمان، و نیز فرزند یکی دیگر از برادرانش، محمد بن ابی سعید همگی در این راه، به شهادت رسیدند. لذا امام زین العابدین علیه السلام، ابراز علاقه ویژه ای نسبت به فرزندان عقیل داشت. در روایات آمده است که به ایشان گفته شد: ما بِالْكَ تَمِيلُ إِلَى بَنِي عَمِّكَ هَؤُلَاءِ...؟ أجاب: إِنِّي أَذْكَرُ يَوْمَهُمْ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَرِقُ لَهُمْ. کامل زیارات ابن قولویه قمی: ص ۲۱۴ ح ۳۰۷.

ترجمه: به امام سجاد گفته شد: تو را چه می شود که به این عموزاده هایت (فرزندان عقیل)، بیشتر متمایلی؟ امام علیه السلام پاسخ داد: آن روز سختشان با ابا عبد الله حسین بن علی علیه السلام را به یاد می آورم و دلم برایشان می سوزد.

عبدالله بن مسلم بن عقیل، یکی از اصحاب امام حسین و از شهدای کربلا

سنّ او هنگام شهادت ۲۶ سال گزارش شده است. برخی وی را نخستین شهید خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته اند و بر پایه گزارش شماری از منابع وی پس از علی اکبر علیه السلام به شهادت رسیده است. نام او در زیارت های «ناحیه مقدسه» آمده است. در «زیارت ناحیه مقدسه» امام زمان می فرماید:

السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ ابْنِ الْقَتِيلِ، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ قَاتِلَهُ عَامِرَ بْنَ صَعَصَعَةَ.

ترجمه: سلام بر کشته شده، پسر کشته شده، عبد الله بن مسلم بن عقیل! لعنت خدا بر قاتل او عامر بن صعصعه

کیفیت شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل در روز عاشورا:

امالی، شیخ صدوق: ص ۲۲۵ و روضة الواعظین، ابن قتال نیشابوری: ص ۲۰۷.

الأمالی للصدوق عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه عن جدّه زين العابدين عليهم السلام: برز من بعده [أي بعد هلال بن حجاج] عبد الله بن مسلم بن عقيل بن أبي طالب، وأنشأ يقول:

أَقْسَمْتُ لَا أُقْتَلُ إِلَّا حُرًّا وَقَدْ وَجَدْتُ الْمَوْتَ شَيْئًا مُرًّا
أَكْرَهُ أَنْ أَدْعَى جَبَانًا فَرًّا إِنَّ الْجَبَانَ مَنْ عَصَى وَفَرًّا

ترجمه: از امام جعفر صادق از پدرش امام باقر از جدش امام زين العابدين عليهم السلام - : پس از هلال بن

حجاج (از شهدای کربلا) عبد الله بن مسلم بن عقيل بن ابی طالب به میدان آمد در حالی که چنین رجز می خواند: سوگند خورده ام که جز به آزادگی کشته نشوم گر چه مرگ را تلخ یافته ام . ناپسند می دارم که ترسو و گریزان خوانده شوم . ترسو کسی است که سر پیچید و گریخت.

تاریخ طبری: ج ۵ ص ۴۴۷، الکامل فی التاریخ ابن اثیر جزری: ج ۲ ص ۵۷۰

تاریخ الطبری عن حميد بن مسلم الأزدي: إن عمرو بن صبيح الصُدائي رَمَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ بِسَهْمٍ فَوَضَعَ كَفَّهُ عَلَى جَبْهَتِهِ، فَأَخَذَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحْرَكَ كَفِّهِ ثُمَّ انْتَحَى لَهُ بِسَهْمٍ آخَرَ ففَلَقَ قَلْبَهُ.

ترجمه: تاریخ طبری - به نقل از حمید بن مسلم آزدی - : عمرو بن صبیح صدایی، تیری به سوی عبد الله بن مسلم بن عقيل انداخت. او کف دستش را [برای محافظت] بر پیشانی اش نهاد [اما تیر، دستش را به پیشانی اش دوخت] و نتوانست آن را حرکت دهد. سپس تیری دیگر آمد و قلبش را شکافت.

تاریخ طبری: ج ۶ ص ۶۴، أنساب الأشراف بلاذری: ج ۶ ص ۴۰۷، الکامل فی التاریخ ابن اثیر جزری: ج ۲

ص ۶۸۳ و بحار الأنوار: ج ۴۵ ص ۳۷۵.

...قال أبو مخنف: فَحَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الْأَعْلَى الزُّبَيْدِيُّ أَنَّ ذَلِكَ الْفَتَى عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ، وَأَنَّهُ قَالَ حَيْثُ أُثْبِتَ كَفَّهُ فِي جَبْهَتِهِ: اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اسْتَقَلُّونَا وَاسْتَدَلُّونَا، اللَّهُمَّ فَاقْتُلْهُمْ كَمَا قَتَلْنَا، وَأَذِلَّهُمْ كَمَا اسْتَدَلُّونَا. فَكَانَ يَقُولُ: جِئْتُهُ مَيِّتًا فَنَزَعْتُ سَهْمِي الَّذِي قَتَلْتُهُ بِهِ مِنْ جَوْفِهِ، فَلَمْ أَزَلْ أَنْضِضُ السَّهْمَ مِنْ جَبْهَتِهِ حَتَّى نَزَعْتُهُ، وَبَقِيَ النَّصْلُ فِي جَبْهَتِهِ مُثْبِتًا مَا قَدَرْتُ عَلَى نَزْعِهِ.

ترجمه: تاریخ طبری به نقل از ابومخنف می‌نویسد: ... هنگامی که کف دست عبدالله بن مسلم بن عقیل به پیشانی اش دوخته شد، گفت: خدایا! آنان، ما را فرو کاستند و خوار داشتند. خدایا! آنان را بکش، همان گونه که ما را کُشتند و خوارشان کن همان گونه که ما را خوار داشتند. زید بن رُقاد، قاتل عبدالله بن مسلم بن عقیل می‌گوید: وقتی به او رسیدم جان داده بود. آن تیرم را که در شکمش نشسته و او را از پای در آورده بود بیرون کشیدم و بعد تیر روی پیشانی اش را آن قدر حرکت دادم تا توانستم آن را بیرون بکشم؛ اما تیغه آن، در پیشانی اش ماند و نتوانستم آن را بیرون بکشم.

غزل مرثیه

روایت است که رحمت کند خدای حسین

هر آن کسی که کند گریه در عزای حسین

روایت است نفسهای مثل تسبیح است

دل گرفته و مهموم غصه‌های حسین

روایت است که آیاتی از کتاب الله

فقط برای حسین است و ماجرای حسین

روایت است زیارت کند خدایش را

کسی که رفت زیارت به کربلای حسین

روایت است بگیری عنان اشک از چشم

مگر ز بیم خدا و مگر برای حسین

روایت است که این اشک را نگه دارد

برای روز مبادایمان خدای حسین

ببار چشم و خودت را نشان بده امشب

چرا که هست رضای خدا، رضای حسین

زمینه

شاعر: مهدی سیار

گرچه دیر و غمزده به سوی سپاه تو آمده‌ام

بگذر از گناه من که مست نگاه تو آمده‌ام

می‌آیم و می‌دانم، آلوده نمی‌مانم

پاکم کن و شادم کن، دلخون و پشیمانم

عذرم بپذیر، ای چاره من

شد جان و تنم، کفاره من

آقام حسین فاطمه، آقام حسین فاطمه

من و شرم از روی چو ماهت، تو و مهر و لطف نگاهت

یا به تیغ خود مرا بکش که رها شود این دل خون

یا اجازه‌ام بده که کشته شوم به ره تو کنون

دل جای دگر نرود، خونم به هدر نرود
سربار تن است این سر، در راه تو گر نرود
این بی سر و پا، سرباز تو شد
خاکی که طلا، ز اعجاز تو شد
آقام حسین فاطمه، آقام حسین فاطمه
من و شرم از روی چو ماهت، تو و مهر و لطف نگاهت

واحد شب چهارم محرم ۹۲.

شاعر: مهدی سیار

اگر چه اسیر گناهم / مرا هم بخوان با نگاهت
که این سو و آن سو نمانم / بیایم سوی خیمه گاهت
مرا هم گرفتار خود کن / که از مهر تو پر شود دل
که از هرچه جز با تو بودن / پشیمان شود، حر شود دل
خوشا جان و دل را / به کوی تو بردن
خوشا دل سپردن / خوشا سر سپردن

(یا حسین یا بنی الزهرا)

خوشا خون آن عاشقانی / که در راه تو بر زمین ریخت
خدا خونبهایش شد آن دم / که با خون پاک تو آمیخت

خوشا چون "حبیب" از محبت / به شوق تو از جان گذشتن

خوشا چون "سعید" از سعادت / شهید نماز تو گشتن

خوشا بُشر و ادهم / خوشا جون و نافع

خوشا سیف و اسلم / خوشا سعد و رافع

(یاحسین یابن الزهرا)

خدایا به خون شهیدان / به آوینی و باکری‌ها

به چمران و صیاد و همت / به تهرانی و باقری‌ها

دل سنگ ما را هم امشب / تو با یادشان با صفا کن

همانها که در وصفشان است / من المومنین رجالاً

شده تازه در دل / هوای شهادت

ببر جان ما را / سوی کربلایت

(یاحسین یابن الزهرا)

واحد: امیر عباسی

ای عزیز فاطمه، مولا یا حسین

هستی مصباح الهدی یا حسین

کشته راه خدا یا حسین

ای غریب کربلا یا حسین

دعا کن اربعین هر سال ای آقا

روزی ماها بشه از لطف خدا

پیاده روی نجف تا کربلا

ای عزیز فاطمه، مولا یا حسین

دم پایانی هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق محرم ۹۲

شاعر: محمد مهدی سیار و میلاد عرفان پور

سید و مولا حسین، آرام دل‌ها حسین

زمزمه‌ی عاشقان، یا حسین و یا حسین

ندارم غیر تو فکر و خیالی بنفسی انت و اهلی و مالی

روضه‌های مقتل را، مثل باران می‌گرییم

در غم تو این شبها، با شهیدان می‌گرییم

اشک ما مرثیه‌خواران فرات است مولای ما قتیل العبرات است

با ولایت می‌مانیم، شور ما از عاشورا است

ای عاشقان بسم الله، راه قدس از کربلاست

تنها نگذارم در میدان، ولی را مولایم رهبرم سید علی را

کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا

وارث خون حسین، مهدی زهرا بیا

یار مظلومان کی میرسی از راه العجل العجل یا حجة الله

نجوا با امام زمان: امیر عباسی

بیا یابن الحسن دردم دوا کن

مرا با دیدنت حاجت روا کن

بیا یابن الحسن دورت بگردم

بیا تا دست خالی برنگردم

نمی‌دونم بهاره یا خزونه

فلک با عاشقا نامهربونه

جوونیم رفت و آقامو ندیدم

که این غم ماتم مرگ جوونه

اباصالح اباصالح یا مهدی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.